

## پایبندی به معاهدات بین‌المللی در روابط خارجی دولت اسلامی

حسین ارجینی\*

### چکیده

پایبندی به معاهدات بین‌المللی، از مسائل مهم در روابط بین‌الملل است و با بررسی آن از نگاه اسلام، علاوه بر تبیین میزان پایبندی دولت اسلامی به معاهدات، می‌تواند به عنوان چارچوبی برای دستگاه دیپلماسی کشور مورد توجه قرار گیرد. روش بررسی دیدگاه اسلام، مراجعه به آیات و روایات به شیوه استدلال فقهی است؛ از این رو، مهم‌ترین رهاورد این پژوهش علاوه بر جواز عقد قرارداد از سوی دولت اسلامی با سایر دولت‌ها، لزوم پایبندی به معاهدات به عنوان یکی از اصول روابط خارجی دولت اسلامی است و طرح مواردی از عدم پایبندی به صورت استثنا می‌باشد.

یکی از موارد استثنا، «نقض عهد» از سوی طرف معاهده است که امری طبیعی در حقوق بین‌الملل می‌باشد. مورد دیگر، «خوف خیانت» از سوی طرف قرارداد می‌باشد که علاوه بر وجود قرائن خیانت، باید لغو آن به طرف مقابل اطلاع داده شود. از دیگر موارد استثنا، ایجاد تراحم بین پایبندی به معاهدات بین‌المللی با مصالح و آرمان‌های دولت اسلامی است که در صورت تحقق، براساس قاعده «اهم و مهم» که به تشخیص ولی‌امر مسلمین است، باید عمل شود.

**کلیدواژه‌ها:** معاهدات بین‌المللی، مشروعیت، نقض عهد، خوف خیانت، مصالح و آرمان‌ها، روابط خارجی، دولت اسلامی.

## مقدمه

یک اصل از اصول سیاست خارجی به دقت صورت نگرفته تا جایگاه موارد استثنا مشخص شود. از این رو، در این پژوهش، علاوه بر اینکه پابندی به معاهدات بین‌المللی به عنوان یکی از اصول روابط خارجی دولت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است، سعی شده تا مهم‌ترین چالش در عرصه روابط خارجی، یعنی موارد عدم پابندی به معاهدات، مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

پابندی به معاهدات به عنوان یک ضرورت در زندگی بین‌المللی مطرح است، اما آیا بر اساس منابع دینی، دولت اسلامی الزامی بر پابندی به معاهدات بین‌المللی دارد؟ علاوه بر این پرسش اصلی، شاید پرسش‌های فرعی دیگری نیز طرح شود؛ از جمله: مفهوم معاهده و قرارداد در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی چیست؟ آیا اصل قراردادهای بین‌المللی با سایر دولت‌ها از مشروعیت برخوردار است؟ در صورت پذیرش الزام دولت اسلامی به پابندی به معاهدات، آیا موارد استثنایی از آن وجود ندارد؟ در صورت تزاحم لزوم پابندی به معاهدات بین‌المللی با مصالح دولت اسلامی و آرمان‌های جهانی اسلام، این مشکل چگونه قابل حل است؟

از این رو، این پژوهش پس از بررسی مفهوم معاهده و قرارداد در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی، به طور اجمال به مشروعیت معاهدات بین‌المللی در حقوق اسلامی اشاره می‌نماید و پس از آن، به تبیین لزوم پابندی به معاهدات بین‌المللی در متون دینی می‌پردازد. در پایان نیز موارد استثنای لزوم پابندی و تزاحم اصل پابندی به معاهدات با مصالح و آرمان‌های دولت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

## مفهوم معاهدات بین‌المللی

در حقوق و روابط بین‌الملل، کشورها و سازمان‌های

پابندی به معاهدات بین‌المللی بهترین راه حفظ حقوق و منافع ملت‌ها در زندگی بین‌المللی است، و برای برقراری صلح و همزیستی هیچ عاملی به اندازه پذیرش معاهدات و پابندی به آنها مؤثر نیست. عهد و پیمان مهم‌ترین سرمایه زندگی بین‌المللی و تأکیدی بر حفظ همبستگی و اعتماد متقابل است و تا زمانی که مطامع و سودجویی دولت‌ها در چارچوب معاهدات محدود نشود، جامعه بشری همواره شاهد جنگ و خون‌ریزی خواهد بود.

دولت اسلامی نیز با توجه به آرمان‌های جهانی اسلام و همگانی بودن آن ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ (سبأ: ۲۸) و نیز گسترش ارتباطات در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نمی‌تواند خود را در یک محدوده جغرافیایی خاص محصور نماید، بلکه باید بر اساس آموزه‌های دینی، نیازها و ضرورت‌های زندگی عصر کنونی با دولت‌ها ارتباط داشته باشد. از این رو، پابندی به معاهدات برای دولت اسلامی به منظور رسیدن به اهداف و آرمان‌های آن، و نیز تبیین دقیق میزان پابندی دولت اسلامی به معاهدات بین‌المللی، به ویژه با توجه به تبلیغات منفی که از سوی برخی دولت‌های استعماری در عدم پابندی دولت‌های اسلامی، بخصوص جمهوری اسلامی ایران، به معاهدات بین‌المللی وجود دارد، بسیار ضروری است.

بررسی میزان پابندی دولت اسلامی به معاهدات بین‌المللی در برخی کتاب‌ها، مانند *فقه سیاسی* نوشته عباسعلی عمیدزنجانی و *فقه سیاسی اسلام*، تألیف ابوالفضل شکوری، آمده است؛ اما بررسی آن به شکل گسترده و نیز با توجه به متون روایی و تفسیری کمتر صورت گرفته و علاوه بر آن، نگاه به پابندی به معاهدات بین‌المللی در چارچوب یک دولت اسلامی و به عنوان

همچنین در حقوق اسلام تفاوت‌هایی بین مفهوم عقد، قرارداد و عهد بیان شده، به گونه‌ای که «عهد» مفهومی عام تلقی شده است.<sup>(۷)</sup> اما همان‌گونه که در واژه‌های مورد استفاده در حقوق و روابط بین‌الملل مطرح شد، هریک از این واژه‌ها در منابع حقوقی و سیاسی تعریف خاصی دارند، ولی همه تحت عنوان «معاهدات بین‌المللی» قرار می‌گیرند. در این مقاله که درصدد بررسی لزوم وفاداری به معاهدات بین‌المللی است، توجه به ماهیت این معاهدات و تفاوت آنها ضرورتی ندارد؛ از این‌رو، واژه‌های «معاهده» و «قرارداد» در مفهومی عام و مترادف استفاده می‌شود.

### مشروعیت قراردادهای بین‌المللی و انواع آن

قراردادهای بین‌المللی در حقوق اسلام به طور کلی پذیرفته شده است و جواز آن، به روشنی از قراردادهای بسیاری که پیامبر ﷺ با دولت‌های مختلف امضا کردند،<sup>(۸)</sup> استفاده می‌شود. از این‌رو، مسلمانان می‌توانند بر اساس مصالح عالیله اسلامی با کشورهای غیرمسلمان، قرارداد صلح و عدم تعرض منعقد نمایند و یا در موضوع خاصی پیمان ببندند.<sup>(۹)</sup>

البته در اسلام برای قراردادهای شرط‌هایی معین شده که این تحقیق درصدد بررسی ماهیت عقود و شروطی که در فقه اسلامی برای عقود مطرح شده، نیست، بلکه به بررسی این مطلب می‌پردازد که آیا پایبندی دولت اسلامی به معاهداتش با سایر دولت‌ها لازم است یا اینکه پایبندی به معاهدات بین‌المللی یک اصل مصلحتی است و دولت اسلامی حتی اگر قراردادی را، پس از انعقاد صحیح آن، به ضرر دولت اسلامی تشخیص داد، می‌تواند فسخ کند؟ در فقه، تقسیم‌بندی متمایزی در زمینه قراردادهای بین‌المللی به چشم نمی‌خورد، ولی وجود قواعد عمومی

بین‌المللی برای ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی از واژه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. علاوه بر معاهده و قرارداد، واژه‌هایی مانند: پیمان، موافقت‌نامه، میثاق، پروتکل، منشور، کنوانسیون و... برای بیان تعهدات بین‌المللی به کار می‌رود. در این مجال، بررسی این واژه‌ها و تفاوت آنها با یکدیگر ضرورتی ندارد،<sup>(۱)</sup> اما دو واژه «معاهده» و «قرارداد» از آن‌رو که واژه‌های عامی بوده و در حقوق و روابط بین‌الملل کاربرد بیشتری دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در کتاب‌های حقوقی، «قرارداد» را چنین تعریف کرده‌اند: «توافق دو یا چند تابع حقوق بین‌الملل در موضوع یا موضوعات خاص که آثار حقوقی بر آن مترتب باشد».<sup>(۲)</sup> در ماده ۲، بند ۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین نیز در تعریف «معاهده» چنین آمده است: «معاهده، عبارت از یک توافق بین دولت‌هاست که به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف‌نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سند واحد یا دو سند مرتبط به هم منعکس شده باشد».<sup>(۳)</sup>

کنوانسیون وین (۱۹۶۹) عناوین و واژه خاصی را ملاک تشخیص معاهده نمی‌داند، بلکه معاهدات را اصولاً توافقی بین‌المللی می‌داند که بین دولت‌ها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل نیز می‌باشد. این توافق می‌تواند در اسناد مختلف با عناوین مختلف تنظیم شود.<sup>(۴)</sup> در حقوق اسلام نیز برای قرارداد تعریف‌هایی ارائه شده؛ از جمله: «قرارداد بین‌المللی در حقوق اسلام به توافق میان دولت اسلامی با سایر دول و سازمان‌های بین‌المللی در موضوع یا موضوعات خاص اطلاق می‌شود که شرع مقدس اعتبار و آثار حقوقی بر آن مترتب کرده است».<sup>(۵)</sup> و «معاهدات»، پیمان‌هایی است که برای ایجاد روابط بین دولت اسلامی و سایر دولت‌ها منعقد می‌شود.<sup>(۶)</sup>

بسیاری آمده است.<sup>(۱۱)</sup> این واژه مفهوم وسیعی دارد، و شامل عهد انسان با خدا، با هم‌کیشان و حتی پیمان مسلمانان با کفار می‌شود. نیز در آیات قرآن بر پابندی بر معاهدات به صورت مطلق تأکید شده و از نقض آنها به شدت نکوهش شده است.

قرآن کریم، با الزامی دانستن وفای به پیمان‌ها و قراردادهای، طرفین قرارداد را در برابر خدا مسئول دانسته و پیمان را «عهد الله» نامیده است: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ﴾ (نحل: ۹۱)<sup>(۱۲)</sup> نیز اعلام می‌دارد که در قیامت از عهد الهی سؤال خواهد شد: ﴿وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا﴾ (احزاب: ۱۵)<sup>(۱۳)</sup> و در مقابل، شکستن پیمان را نقض عهد الهی تلقی می‌کند: ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾ (بقره: ۲۷).<sup>(۱۴)</sup>

در قرآن، لزوم وفای به عهد فراتر از جنبه حقوقی، نشانه ایمان معرفی شده و خیانت در عهد علامت نقص یا فقدان ایمان تلقی شده است.<sup>(۱۵)</sup> بررسی آیاتی نظیر آیه ۴ و ۷ سوره «برائت» به این نکته اشاره دارد که احترام به پیمان و وفای به آن، همبستگی کامل با تقوا و روح پرهیزگاری دارد و تکلیف آن دو موجب انهدام روح تقوا می‌شود.<sup>(۱۶)</sup> قرآن کریم مبادی و خطوط کلی را در زمینه نظام حقوقی بین‌المللی، برای تنظیم روابط دولت اسلامی با کشورهای دیگر برشمرده است، که در این بخش برای نمونه به بررسی چند دسته از آیات می‌پردازیم:

۱. وفاداری به پیمان‌ها: در قرآن کریم به مؤمنان خطاب می‌شود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مانده: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌هایتان پایبند باشید. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «عقود» جمع عقد است و با اضافه شدن «ال» به آن، عمومیت را می‌رساند و همچنین عقد در عرف به هر عقدی اطلاق می‌شود؛ از این رو، دیدگاه برخی از مفسران که عقد را به

قراردادها و اصل اعتبار و لزوم عقود و پیمان‌های خاص با غیرمسلمانان و دارالکفر، مانند عقد ذمه، استیمان و هدنه در عصر پیامبر ﷺ، نشان‌دهنده آن است که نوعی تقسیم‌بندی بین فقها در زمینه این قراردادها پذیرفته شده است. بنابراین، می‌توان قراردادهای بین‌المللی را به «قراردادهای بین‌المللی معین» و «قراردادهای بین‌المللی نامعین» تقسیم‌بندی کرد. قراردادهای بین‌المللی معین، قراردادهایی هستند که در فقه دارای عنوان مشخص بوده و شرایط و آثار خاصی دارند که از جمله آن می‌توان به عقد ذمه، استیمان و هدنه اشاره کرد. قراردادهای بین‌المللی نامعین نیز قراردادهایی هستند که در فقه عنوان خاصی ندارند و مشمول قواعد عمومی قراردادهای می‌شوند.<sup>(۱۷)</sup>

### پابندی به قراردادهای بین‌المللی در منابع دینی

پذیرش معاهدات اساس هر نوع زندگی اجتماعی است و هرگاه گرایش انسان به زندگی اجتماعی، کششی فطری باشد، پذیرش معاهدات و پابندی به آنها نیز اصلی فطری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. علاوه بر فطرت، عقل انسان نیز لزوم پابندی به معاهدات را تأیید می‌کند؛ چراکه نقض عهد، پایمال شدن حقوق و فساد و تباهی را در پی دارد و هر عقلی آن را محکوم می‌کند.

اصل وفای به عهد به عنوان یک اصل فطری و عقلی در اسلام اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد و منابع دینی با تأکید بسیار بر پابندی به عهد و پیمان، از آن به «عهدالله» تعبیر کرده‌اند. در این بخش، به خوشه‌چینی از آیات الهی و روایات معصومان علیهم‌السلام می‌پردازیم:

### الف. پابندی به قراردادهای بین‌المللی از منظر

#### قرآن

واژه «عهد» و مشتقات آن و نیز واژه «میثاق» در آیات

مقابله به مثل کند، که نقض در این صورت در حقیقت، خروج از بردگی استخدام و برتری‌جویی است که دین برای از بین بردن آن قیام کرده است.

ایشان در ادامه تفسیر این آیه آورده که لزوم پایبندی مطلق به معاهدات از تعالیم عالیه دین اسلام برای بشر و هدایت انسان‌ها به سوی فطرت خویش است و عامل مهمی است تا عدالت اجتماعی که حفظ نظام اجتماع به آن بستگی دارد، تحقق یابد و استعمار و استثمار از جامعه رخت بندد.<sup>(۲۰)</sup>

این آیه از جمله آیاتی است که در مباحث حقوق اسلامی و در ابواب مختلف فقه به آن استدلال شده است و قاعده مهم فقهی «اصالة اللزوم فی العقود» از آن استفاده می‌گردد. مفهوم آیه به اندازه‌ای وسیع است که عهد انسان با خدا و عهد انسان‌ها با یکدیگر و حتی پیمان‌های مسلمانان با غیرمسلمانان را نیز شامل می‌شود. البته لزوم وفای به عهد تا زمانی است که نقضی صورت نگیرد، اما در صورت نقض وفاداری به پیمان لزومی ندارد.<sup>(۲۱)</sup>

خداوند در آیه دیگری ضمن تأکید بر وفای به پیمان‌ها، آن را مورد پرسش الهی قلمداد می‌کند: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء: ۳۴) به پیمان‌ها وفادار باشید، که از آنها سؤال خواهد شد.

در این آیه نیز «عهد» معنای وسیعی دارد و عهدهای خصوصی بین افراد و عهد میان ملت‌ها و حکومت‌ها را هم شامل می‌شود. البته پایبندی به پیمان‌های اجتماعی مهم‌تر است؛ چون عدالت اجتماعی در صورت پایبندی به معاهدات، فراگیرتر می‌شود و در صورت عدم پایبندی نیز مشکلات اجتماعی بسیاری دامنگیر جامعه خواهد شد.<sup>(۲۲)</sup>

بسیاری از روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر محور عهدها و پیمان‌ها دور می‌زند، که تزلزل در آنها سرمایه اعتماد را از بین می‌برد و باعث فرو ریختن نظام

معنای خاصی حمل کردند، صحیح نیست. ایشان در ادامه آورده‌اند: «یدل علی الامر بالوفاء بالعقود و هو بظاهره عام یشمل کل ما یصدق علیه العقد عرفاً»<sup>(۱۷)</sup>

در آیات قرآن پیرامون جزئیات لزوم وفای به عهد سخن بسیاری نگفته‌اند؛ زیرا انسان‌ها با عقل فطری آن را درک می‌کنند، و بشر در زندگی فردی و اجتماعی خویش از عهد و پایبندی به آن بی‌نیاز نیست، و تمام مزایا و حقوقی که بشر در اجتماع از آن بهره‌مند است همه بر اساس عهدی است که در جامعه می‌پذیرد،<sup>(۱۸)</sup> و بدون عهد و پیمان هیچ‌گونه همکاری صورت نمی‌گیرد و «اطمینان» که بزرگ‌ترین سرمایه زندگی اجتماعی است، از بین خواهد رفت.

لزوم پایبندی به عهد و پیمان مخصوص معاهدات داخل یک جامعه نیست، بلکه معاهدات بین‌المللی را نیز شامل می‌شود. علامه طباطبائی درباره پایبندی به معاهدات می‌نویسد: «ان الاسلام یری حرمة العهد و وجوب الوفاء به علی الاطلاق سواء انتفع به العاهد أو تضرر بعد ما اوثق الميثاق فإن رعاية جانب العدل الاجتماعی الزم و أوجب من رعاية ای نفع خاص أو شخصی الا ان ینقض احد المتعاهدين عهده فللمتعاهد الآخر نقضه بمثل ما نقضه و الاعتداء علیه بمثل ما اعتدی علیه فإن فی ذلک خروجاً عن رقیة الاستخدام و الاستعلاء المذمومة التي ما نهض الدین إلا لاماطتها»<sup>(۱۹)</sup>

از نظر علامه طباطبائی، اسلام احترام به پیمان و وجوب وفای به آن را بعد از اینکه پیمان بسته می‌شود، مطلق می‌داند و تفاوتی نمی‌کند که کسی که پیمان بسته نفع ببرد یا ضرر کند؛ چون رعایت جانب عدالت اجتماعی لازم و واجب‌تر از هر نفع شخصی است، مگر آنکه یکی از طرفین معاهده، پیمان خود را نقض کند که در آن صورت، طرف دیگر نیز حق دارد آن را نقض و

پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود، در حالی که همواره آماده شکستن پیمانشان هستند؟ اما به مسلمانان توصیه می‌کند: تا زمانی که مشرکان به عهد خویش پایبند بودند شما نیز به آن پیمان وفادار باشید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران و آنها را که از هرگونه پیمان‌شکنی اجتناب نمایند، دوست دارد. (۲۶)

پایبندی به پیمان، هرچند طرف مقابل از کفار باشد، از لوازم تقواست، و این یک ملاک عام در مورد وفاداری به معاهدات است. علامه طباطبائی در المیزان آورده‌اند: «ان الاستقامة لمن استقام و السلم لمن يسالم من لوازم التقوى الدينى، لذلك علل قوله ذلك بقوله ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾. (۲۷) ایشان تقوا را علت برای پایبندی به معاهدات آورده، و چنین حکمی که یک کنترل درونی و دینی برای پایبندی به معاهدات بین‌المللی باشد، از ویژگی‌های دین مبین اسلام است.

۴. وفاداری نسبت به معاهدات پذیرفته شده بین‌المللی: دولت اسلامی باید نسبت به معاهداتی که پذیرفته متعهد باشد: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (انفال: ۷۲) مسلمانانی که مهاجرت نکردند، هیچ ولایتی بر مؤمنان مهاجر ندارند، مگر اینکه طلب یاری کنند که در این صورت، باید به آنها کمک کرد، البته مشروط به اینکه بین آن قوم و مؤمنان پیمانی برقرار نشده باشد. (۲۸)

در تفسیر نمونه در تفسیر این آیه آمده: «آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند و به جامعه نوین شمانپیوستند هیچ‌گونه ولایت و تعهد و مسئولیتی در برابر آنها ندارند تا اقدام به هجرت کنند: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا﴾. و در جمله بعد، تنها یک نوع حمایت و مسئولیت را استثنا کرده و آن را

اجتماعی و هرج و مرج و حشمتناکی در جامعه می‌شود؛ از این رو، در آیات قرآن تأکید فراوانی بر پایبندی به معاهدات شده است. (۲۳)

۲. پایبندی نسبت به وفاداران به پیمان: قرآن نسبت به کسانی که به پیمان‌هایشان با مسلمانان پایبند بودند می‌فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه: ۴)

این آیه استثنایی از عموم برائت از مشرکان است و استثناشدگان مشرکانی هستند که با پیامبر ﷺ پیمان بسته بودند و هیچ‌گاه درصدد نقض آن نبودند. پایبندی به پیمانی که با این گروه از مشرکان بسته شده لازم است. (۲۴)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه آورده‌اند: «و قوله: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ فی مقام التعلیل لوجوب الوفاء بالعهد ما لم ينقضه المعاهد المشرك، و ذلك يجعل احترام العهد و حفظ الميثاق احد مصادیق التقوى المطلق الذى لا يزال يأمر به القرآن و قد صرح به فی نظائر هذا المورد كقوله تعالى: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾. (۲۵)

بخش پایانی آیه در مقام تعلیل برای وجوب وفای به عهد با مشرکانی است که به عهد خویش پایبند بودند. در این آیه، احترام به عهد و حفظ پیمان، یکی از مصادیق تقوای مطلق است که در آیات بسیاری به آن امر شده است.

۳. وفاداری به پیمان تا زمان پایبندی طرف مقابل: قرآن وفاداری به پیمان را منوط به وفاداری طرف مقابل می‌کند: ﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه: ۷)

خداوند در اوایل سوره «توبه» به برائت از مشرکان امر می‌کند و در این آیه نیز می‌فرماید: چگونه برای مشرکان

است. (۳۲) از منظر روایات، پایبندی به عهد از ایمان سرچشمه می‌گیرد، (۳۳) و از صفات متقین و نشانه تقوای الهی است. (۳۴)

از نشانه‌های دین‌داری، وفای به عهد است. (۳۵) کسی که به تعهدات خود پایبند نباشد در حقیقت، دین‌داری او مورد تردید است (۳۶) و در وفای به عهد بین نیکوکار و بدکار تفاوتی نیست و در این زمینه هیچ عذری از کسی پذیرفته نیست. (۳۷)

در سیره سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه‌های بسیاری از معاهدات با قبایل و دولت‌ها دیده می‌شود؛ (۳۸) پیمان‌هایی که با بنی قینقاع و بنی قریظه و دیگر قبایل یهود و همچنین با قریش در صلح حدیبیه، منعقد شد. این پیمان‌ها هیچ‌گاه از سوی مسلمانان نقض نشد. (۳۹)

در سال ششم هجری، صلح حدیبیه بین پیامبر صلی الله علیه و آله و سهیل بن عمر به نمایندگی از قریش منعقد شد، و یکی از شروط آن این بود که اگر کسی در مکه اسلام آورد و به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق شد، او را به قریش برگردانند. در همین زمان، ابوجندل پسر سهیل که اسلام آورده بود خود را به گروه مسلمانان رساند. سهیل به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: ما در این زمینه پیمان بستیم. آن حضرت نیز پذیرفت. ابوجندل در حالی که پدرش او را به زور می‌برد، فریاد می‌زد و می‌گفت: ای مسلمانان، آیا مرا به مشرکان برمی‌گردانید، در حالی که دین من در خطر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا ابا جندل، اصبر و احتسب فان الله جاعل لک و لمن معک من المستضعفین فرجاً و مخرجاً. انا عقدنا بیننا و بین القوم صلحاً و اعطیناهم علی ذلک و اعطونا عهد الله و انا لا نغدر بهم.» (۴۰) این کلام نبی اکرم صلی الله علیه و آله تصریح دارد که حتی اگر طرف قرارداد کفار باشند، نقض پیمان جایز نیست و ایشان از آن پیمان به «عهد الهی» تعبیر می‌آورد و می‌فرماید: ما برخلاف عهد عمل نمی‌کنیم.

درباره این گروه اثبات می‌کند و می‌گوید: هر گاه این گروه (مؤمنان غیر مهاجر) از شما به خاطر حفظ دین و آیینشان یاری بطلبند (یعنی تحت فشار شدید دشمنان قرار گیرند)، بر شما لازم است که به یاری آنها بشتابید: ﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ﴾. مگر زمانی که مخالفان آنها جمعیتی باشند که میان شما و آنان پیمان ترک مخاصمه بسته شده: ﴿إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ﴾ و به تعبیر دیگر، لزوم دفاع از آنان در صورتی است که در برابر دشمنان مشترک قرار گیرند، اما اگر در برابر کفاری که با شما پیمان بسته‌اند واقع شوند احترام به پیمان از دفاع از این گروه بی‌حال لازم‌تر است. (۲۹)

بنابراین، در صورت وجود پیمان، مؤمنان باید وفاداری به آن پیمان را بر کمک به برادران دینی خود مقدم دارند، و مفسران و اندیشمندان اهل سنت نیز همین مطلب را از این آیه استفاده کردند. (۳۰)

بزرگ‌ترین پیام این آیه، وفاداری دولت اسلامی به معاهدات بین‌المللی است. البته دولت اسلامی باید از انعقاد پیمان‌هایی که مانع حمایت از اقلیت‌های مسلمان در کشورهای مختلف می‌شود، خودداری کند. و افزون بر این، در روابط بین‌الملل جدای از مسائل حقوقی، دولت اسلامی می‌تواند با دیپلماسی فعال بسیاری از مشکلات مسلمانان را حل کند.

از آیات قرآن به روشنی، لزوم پایبندی به معاهدات دولت اسلامی با سایر دولت‌ها، حتی دولت‌های غیرمسلمان، استفاده می‌شود و این مطلب علاوه بر مفسران و علمای شیعه، از سوی مفسران و اندیشمندان اهل سنت نیز مورد تأکید واقع شده است. (۳۱)

#### ب. پایبندی به قراردادهای بین‌المللی از منظر سنت

در روایات نیز بر لزوم وفای به عهد تأکیدات بسیاری شده

پس از بازگشت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از صلح حدیبیه به مدینه، ابوبصیر نیز خود را به مدینه رساند. قریش کسی را در پی او فرستاد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به ابوبصیر فرمودند: ابابصیر! از پیمانی که بین ما مشرکان هست آگاهی؛ در دین ما نقض عهد صحیح نیست و خداوند برای شما و مستضعفان راه نجاتی فراهم می‌کند. (۴۱)

سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر پایبندی بر معاهدات بین‌المللی بوده و حتی برای اینکه در مفاد پیمان‌ها تصرفی صورت نگیرد دستور فرمودند تا پیمان‌ها به صورت کتبی نوشته شود. (۴۲) بسیاری از این قراردادهای کتبی، توسط محققان گردآوری شده است. (۴۳)

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در فرازهایی از عهدنامه مالک اشتر که برخی از اصول و قواعد روابط خارجی دولت اسلامی بیان شده است، فرموده‌اند:

اگر با دشمن خویش پیمان بستنی یا امانی دادی، به آن وفادار باش و خودت را سپری در برابر پیمان و عهدی که بستنی قرار ده؛ زیرا مردم با وجود اختلاف آراء و عقاید، در هیچ واجبی از واجبات الهی به اندازه وفای به عهد و پیمان اتفاق نظر ندارند. حتی مشرکان هم وفای به عهد را در میان خود لازم می‌شمردند؛ زیرا عواقب ناگوار غدر و پیمان‌شکنی را دریافته بودند. پس در آنچه بر عهده گرفته‌ای، خیانت مکن و پیمان‌ت را مشکن و خصمت را به پیمان مفرب؛ زیرا تنها نادانان شقی در برابر خدای تعالی، دلیری کنند. خداوند پیمان خود را به سبب رحمت و محبتی که بر بندگان خود دارد، مایه امنیت قرار داده و آن را همچون حریمی ساخته که در سایه آن مردم آسوده و با آرامشی تمام زندگی کنند و به جوار آن پناه آورند. پس جایی برای خیانت و فریب و حيله‌گری در آن نیست. (۴۴)

حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام در ادامه این نامه می‌فرماید:

هیچ‌گاه قراردادی که در آن تحریف راه داشته باشد منعقد نساز و پس از آنکه پیمان‌ت را محکم بستنی و اطمینان دادی، به گفتارهای چندپهلوی استناد نکن و مبادا که سختی اجرای پیمانی که بر گردن گرفته‌ای و باید عهد خدا را در آن رعایت کنی، تو را به شکستن و فسخ آن وادارد، بی‌آنکه در آن حقی داشته باشی؛ زیرا پایداری تو در برابر کار دشواری که امید به گشایش آن و عاقبت خوبش داری، از غدری که از سرانجام آن بیمناک هستی، بهتر است، و نیز از اینکه خداوند تو را بازخواست کند و راه طلب بخشایش در دنیا و آخرت بر تو بسته شود، بهتر است. (۴۵)

با توجه به آیات و روایات و نیز سیره عملی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، معاهدات مشروع بین‌المللی اعتبار دارند و پایبندی به آنها لازم است. هرچند برخی تصور کرده‌اند که وجوب وفای به عهد مربوط به زمانی است که مسلمانان در حال ضعف باشند، اما آیات نشان می‌دهد که وفای به عهد یک حکم ثابت و محکم در اسلام است و رد عهد هم - در واقع - مقابله به مثل است. (۴۶)

این اصل مسلم اسلامی با طرز فکر جهانی و ایده وحدت جهان که هدف نهایی قانون اسلام است، تضادی ندارد، بلکه خود وسیله‌ای برای گسترش دعوت اسلامی است؛ زیرا اسلام خواهان آن است که عقیده اسلامی از راه صلح و مسالمت و در شرایطی که اصل همزیستی حکمفرماست انتشار یابد. اسلام با توجه به تفرقه‌های ایدئولوژیکی، خاکی و نژادی برای تحقق صلح و امنیت، مسلمانان را موظف می‌کند تا با معاهدات آن را برقرار کنند و همزمان با اجرای معاهدات، مسئولیت گسترش عقیده اسلامی را بر سراسر جهان انجام دهند. (۴۷)



بین‌المللی است، اگر کشوری در صحنه بین‌المللی قراردادهای خویش را به بهانه‌های مختلف نقض کند، اعتماد سایر کشورها را از دست می‌دهد و منزوی می‌شود. دولت اسلامی نیز برای توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید سعی کند تا روابط متقابل خود را با دیگر کشورها تقویت نماید.

لزوم پایبندی دولت اسلامی به معاهدات خویش، همان‌گونه که آیات و روایات تأکید داشتند، در صورتی است که نشانه‌های قابل اعتمادی بر خیانت در پیمانی - به ویژه پیمان‌های نظامی و صلح - از سوی طرف مقابل آشکار نشود، اما در صورت وجود چنین نشانه‌هایی، به طرف پیمان اعلام می‌دارد که از این پیمان خارج شود: ﴿وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾ (انفال: ۵۸)؛ هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند) به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند خائنان را دوست ندارد.

قرآن کریم حتی در صورت خیانت سایر دولت‌ها، به دولت اسلامی اجازه خیانت نمی‌دهد و می‌فرماید: در صورت آشکار شدن نشانه‌های خیانت از گروهی، به آنها اعلام کند که پیمان لغو شده و سپس آن را نقض کند؛ چراکه خداوند خیانت‌کاران را دوست ندارد.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز به مالک اشتر سفارش می‌فرماید: «پس در آنچه بر عهده گرفته‌ای، خیانت مکن و پیمان را مشکن و خصمت را به پیمان مفریب؛ زیرا تنها نادانان شقی در برابر خدای تعالی، دلیری کنند... و پس از بستن و استوار کردن پیمان برای بر هم زدنش به عبارتهای دوپهلوی که در آنها ابهامی باشد، تکیه منمای. و مبادا که سختی اجرای پیمانی که برگردن گرفته‌ای و باید عهد خدا

## موارد عدم پایبندی به قراردادهای بین‌المللی

پایبندی به معاهدات بین‌المللی از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی محسوب می‌شود، اما در مواردی به دولت اسلامی اجازه می‌دهد تا در قبال برخی پیمان‌ها، تعهدی نداشته باشد و آن پیمان را نادیده انگارد:

### ۱. نقض عهد

اسلام پایبندی دولت اسلامی را به معاهدات بین‌المللی که منعقد کرده، ضروری می‌داند و نقض آنها را به شدت نکوهش می‌کند، اما اگر طرف‌های قرارداد به آن پیمان‌ها پایبند نبودند، دولت اسلامی نیز حق مسلم خود می‌داند تا تعهدی نسبت به آن پیمان‌ها نداشته باشد، و این در عرف روابط بین‌الملل امری پذیرفته شده است.

آیات آغازین سوره «توبه»، پایبندی دولت اسلامی به عهد با گروه‌هایی که به عهد خویش پایبند بودند، لازم شمرده است، اما در آیه ۱۲ این سوره می‌فرماید: ﴿وَإِن تَكُونُوا إِيمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ﴾؛ اگر کفار پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چراکه آنها عهدی ندارند، شاید (با شدت عمل) دست بردارند.

ارزش پیمان و لزوم وفای به آن تا وقتی است که از سوی طرف پیمان نقضی صورت نگیرد، اما در صورت نقض، دیگر الزامی برای پایبندی به آن پیمان نیست و قرآن نیز تأکید می‌کند اگر کفار پیمان‌شکنی کردند با آنها پیکار کنید و این پیکار را متوجه سران کفر می‌کند؛ چراکه توده مردم تابع پیشوایان خود هستند. (۴۸)

### ۲. خوف خیانت

اعتماد متقابل پایه بسیاری از همکاری‌ها و پیمان‌های

را در آن رعایت کنی، تو را به شکستن و فسخ آن وادارد، بی آنکه در آن حقی داشته باشی.» (۴۹)

### ۳. تضاد با مصالح دولت اسلامی

دولت اسلامی برای تأمین منافع خود در عرصه بین‌الملل قراردادهایی منعقد می‌کند، اما آیا پس از توافق و امضای قراردادی، چنانچه برخلاف منافع و مصالح باشد، می‌تواند آن را نقض کند؟

منابع دینی که وفای به عهد را ضروری می‌دانند، حتی موردی را که قراردادی به ضرر دولت اسلامی باشد، شامل می‌شود و علامه طباطبائی در این زمینه می‌نویسد: «ان الاسلام یری حرمة العهد و وجوب الوفاء به علی الاطلاق سواء انتفع به العاهد أو تضرر بعد ما اوثق الميثاق فإن رعاية جانب العدل الاجتماعي الزم و أوجب من رعاية ای نفع خاص أو شخصی»؛ (۵۰) لزوم پایبندی به معاهدات اگرچه به ضرر باشد لازم است؛ چراکه رعایت عدالت اجتماعی از هر نفع شخصی دیگری لازم‌تر است.

پایبندی دولت اسلامی حتی نسبت به معاهداتی که پس از انعقاد صحیح آن به ضررش باشد، لازم است. وظیفه رهبران و نخبگان جامعه اسلامی است تا پیش از امضای معاهدات بین‌المللی، آن را مورد بررسی کارشناسی قرار دهند تا ضرری متوجه جامعه اسلامی نشود، اما اگر در موردی ضرری متوجه جامعه اسلامی شد، همان‌گونه که از طرف قرارداد انتظار داریم به هر بهانه و عذری از زیر بار معاهدات شانه خالی نکنند، دولت اسلامی نیز باید تا پایان مدت قرارداد به این مکروه تن دهد. (۵۱) البته به شرط اینکه اصل قرارداد به شکلی درست و عادلانه منعقد شده باشد و همانند قراردادهای استعماری نباشد.

بر اساس اصل «نفی سبیل» هر پیمان و قراردادی که

موجب سلطه کفار بر مسلمانان شود، اعتبار حقوقی ندارد، و از سوی دیگر، با توجه به اصل «وفای به عهد»، پایبندی به پیمان‌های بین‌المللی، اگرچه به ضرر مسلمانان باشد، ضروری است. حال با توجه به این مسئله، کدام یک از این دو اصل مقدم داشته می‌شود؟

از سوی اندیشمندان دو دیدگاه در این زمینه مطرح شده است. طبق دیدگاه اول، به محض اینکه کشف شود این قرارداد به ضرر جامعه اسلامی است، قاعده «نفی سبیل» خود به خود آن را لغو و باطل می‌سازد، هرچند که قرارداد بسته شده بر طبق قاعده فقهی دیگر که وجوب وفای به عهد (وفوا بالعهد) نام دارد، فسخ آن جایز نباشد، اما به دلیل کشف ضرر قاعده «نفی سبیل» وارد میدان می‌شود و قاعده وفوا بالعهد را خنثا و بی‌تأثیر می‌کند و حاکمیت خود را اعمال می‌نماید و این بر اساس عنوان ثانویه‌ای است که قرارداد پیدا می‌کند. (۵۲)

اما بر اساس دیدگاه دیگری، چه بسا در مواردی به سبب وجود مصلحتی مهم‌تر برای اسلام و مسلمانان، اصل نفی سبیل نادیده گرفته شود؛ مانند آنچه که در صدر اسلام در صلح حدیبیه مقرر شد و به موجب آن، پیامبر ﷺ مسلمانان رهاشده از زندان مشرکان مکه را به آنها بازگرداند و فرمود: با این قوم پیمان بسته‌ایم، شایسته نیست عهدشکنی کنیم. در هنگام امر بین مصلحت ناشی از اصل وفای به عهد و اصل نفی سبیل، رسول خدا ﷺ اولی را ترجیح داد. (۵۳)

به نظر می‌رسد به طور کلی نمی‌توان یکی از دو اصل را بر دیگری مقدم داشت، بلکه در هر مورد باید بر اساس مصلحت دولت اسلامی و مسلمانان و قاعده اهمّ و مهم اقدام کرد. اگر تهدید عزت و استقلال به حدی باشد که اصل نظام اسلامی را مورد تهدید قرار دهد در این صورت، پایبندی به تعهدات بین‌المللی لزومی ندارد و در

دلیلی که ایشان برای دیدگاه خود طرح می‌کند، این است که اسلام آزادی فکر و عقیده و آزادی دعوت اسلامی را به عنوان یک حق مشروع برای خود محفوظ می‌داند و هیچ عامل، حتی قراردادهای بین‌المللی را در سلب چنین حق طبیعی مجاز نمی‌داند و آن را منافی با آزادی فکر و مذهب تلقی می‌نماید.<sup>(۵۶)</sup>

انعقاد قراردادی که از ابتدا با اهداف جهانی اسلام مغایرت داشته باشد، باطل است و دیدگاه مطرح شده از این جهت صحیح است. اما در مواردی که پس از گذشت زمان چنین مغایرتی با اهداف جهانی اسلام پدید آید، در اینکه آیا می‌توان چنین پیمانی را فسخ کرد باید تأمل شود! زیرا از جهتی چنین آرمان‌هایی از اصول روابط خارجی دولت اسلامی است و نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و از طرف دیگر، فسخ آن چه بسا به کارآمدی نظام و اهداف درازمدت دولت اسلامی لطمه بزند. این مطلب دقت و آینده‌نگری هرچه بیشتر کارشناسان امور بین‌الملل را می‌طلبد تا در انعقاد پیمان‌ها به اهداف و اصول سیاست خارجی دولت اسلامی و پیامدهای پیمان‌ها، توجه لازم را مبذول دارند و یا در متن پیمان‌ها برخی از اصول اساسی را قید کنند.

پایبندی به معاهدات بین‌المللی، اهداف درازمدت دولت اسلامی را تأمین می‌کند، اما اگر این پایبندی، هویت دولت اسلامی را به خطر اندازد در این صورت، باید طبق «قاعده اهم و مهم» عمل کرد و اصل و هویت دولت اسلامی را حفظ نمود. هرچند همیشه راه‌حل‌های سیاسی و حقوقی بسیاری پیش از رسیدن به این مرحله نهایی در صحنه مبادلات بین‌المللی وجود دارد.

#### نتیجه‌گیری

دولت اسلامی، با توجه به ضرورت زندگی اجتماعی و

عرف بین‌الملل نیز امری پذیرفته شده است که اگر قراردادی استقلال و حاکمیت کشوری را تهدید کند، آن کشور می‌تواند از آن پیمان خارج شود.

بنابراین، اگر قراردادی با اینکه بر خلاف مصالح اسلام و مسلمانان است، منعقد شود، اعتباری ندارد. امام خمینی علیه السلام درباره چنین پیمان‌هایی فرموده‌اند: «اگر یکی از دول اسلامی قراردادی برخلاف مصلحت اسلام و مسلمین منعقد نمود، بر دیگران است که در فسخ آن پیمان بکوشند و از ابزارهایی مانند قطع روابط سیاسی یا تجاری استفاده کنند. به هر حال، این‌گونه عقود در شرع اسلام محرم و باطل می‌باشند.»<sup>(۵۴)</sup>

البته دولت اسلامی بر اساس این اصل نمی‌تواند هر قراردادی را که به نوعی به ضررش باشد، فسخ کند؛ زیرا پایبندی به تعهداتی که قبول کرده، اگرچه به ضررش باشد، ضروری است. علاوه بر این، دولت اسلامی در جامعه‌ای بین‌المللی زندگی می‌کند و اگر پایبندی خود را به پیمان‌ها نشان ندهد، کارآمدی و اعتبار بین‌المللی خود را از دست خواهد داد؛ از این رو، پیش از انعقاد تعهدات، کارشناسی دقیق می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند.

#### ۴. مغایرت با اهداف جهانی اسلام

از دیدگاه برخی، لزوم پایبندی به معاهدات بین‌المللی یک استثنا دارد و آن در صورتی است که پایبندی به پیمانی موجب زیر پا گذاشتن آرمان‌های جهانی اسلام شود. آیت‌الله عمیدزنجانی درباره چنین پیمان‌هایی می‌نویسد: «بنابراین، هر قراردادی که سد راه پیشرفت ایدئولوژی اسلام باشد و یا پس از آنکه به طور مشروع منعقد گردید در چنین شرایطی قرار گرفت، ناگزیر ارزش حقوقی خود را از دست داده و از نظر منطق جهانی اسلام کان لم یکن شناخته خواهد شد.»<sup>(۵۵)</sup>

برداشت؟ هرچند دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه بیان شده و یک قاعده کلی وجود ندارد، اما در این‌گونه موارد باید براساس قاعده‌ی اهمّ مهم، که تشخیص آن به عهده‌ی ولی‌امر مسلمین است، عمل شود.

نکته‌ای که باید در روابط خارجی دولت اسلامی مورد دقت قرار گیرد، این است که با دقت، آینده‌نگری، کارشناسی معاهدات، و نیز توجه به اصول سیاست خارجی دولت اسلامی، می‌توان از بسیاری از این استثنائات که تحقق آنها وجهه‌ی بین‌المللی دولت اسلامی را خدشه‌دار می‌کند، جلوگیری کرد.

نیز ادله‌ی دینی، می‌تواند با سایر دولت‌ها معاهداتی را منعقد کند. بنابراین، عقد قرارداد از سوی دولت اسلامی با سایر دولت‌ها جایز است. البته در عقد این قراردادها باید شرایط خاصی که در دین مدنظر است مورد توجه قرار گیرد. اما پایبندی به معاهدات از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی است، که بر اساس آیات و روایات لزوم پایبندی به آن مسلم است، و اگر مواردی هم مطرح می‌شود به صورت استثنا و با توجه به شرایط خاصی است.

یکی از موارد استثنا که در متون دینی به آن اشاره شده است، نقض عهد از سوی طرف معاهد است، که در این صورت، علاوه بر متون دینی، از نظر حقوق بین‌الملل نیز پایبندی به آن ضرورتی ندارد. در متون دینی استثنای دیگری مطرح شده است و آن اینکه خوف خیانت از سوی طرف قرارداد باشد. البته اینجا صرف احتمال مطرح نیست، بلکه قرائنی بر خیانت باید باشد، که در این صورت نیز براساس متون دینی، نباید لغو قرارداد به صورت مخفی انجام پذیرد، بلکه باید به طرف مقابل اعلام شود که به خاطر خیانت دیگر تعهدی به پایبندی به معاهده وجود ندارد.

از موارد دیگری که باز استثنایی بر لزوم پایبندی به معاهدات است، تضاد معاهده با مصالح دولت اسلامی است. البته این تضاد به این معنا نیست که اگر در قراردادی، معلوم شد ما ضرر می‌کنیم یا سود کمتری نصیبمان می‌شود، تجدیدنظر کنیم، بلکه این استثنا مربوط به جایی است که قراردادی برخلاف مصالح دولت اسلامی بسته شده باشد و - مثلاً - منجر به سیطره‌ی کفار بر مسلمانان شود. مورد دیگری که از موارد استثنا عنوان شده، در صورتی است که پایبندی به معاهده‌ای با اهداف جهانی اسلام در تزامن قرار گیرد. در این صورت، آیا می‌توان از آن اهداف به خاطر پایبندی به معاهدات دست

- ۱- برای دقت در این واژه‌ها و تفاوت آنها، ر.ک: رضا موسی‌زاده، **حقوق معاهدات بین‌المللی**، ص ۴۱-۵۱.
- ۲- عباسعلی عظیمی شوشتری، **حقوق قراردادهای بین‌المللی در اسلام**، ص ۱۱۱.
- ۳- رضا موسی‌زاده، همان، ص ۳۷.
- ۴- سید جلال‌الدین مدنی، **حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول**، ج ۲، ص ۲۲۹.
- ۵- عباسعلی عظیمی شوشتری، همان، ص ۱۱۲.
- ۶- عقیل سعید، «قراردادهای بین‌المللی در اسلام»، ترجمه مهدی بهزادیان، **معرفت**، ش ۴۳، ص ۹۹.
- ۷- عباسعلی عظیمی شوشتری، همان، ص ۱۰۹.
- ۸- ر.ک: علی احمدی میانجی، **مکاتیب الرسول ﷺ؛ محمد حمیدالله، مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة؛ خالد سلیمان الفهداوی، الفقه السياسي للوثائق النبویة.**
- ۹- مرتضی مطهری، **مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی**، ص ۲۳۱.
- ۱۰- عباسعلی عمیدزنجانی، **فقه سیاسی؛ حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام**، ص ۸۷؛ سیدصادق حقیقت، **مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی**، ص ۱۱۶-۱۱۷.
- ۱۱- بقره: ۲۷، ۱۰۰ و ۱۷۷؛ آل‌عمران: ۷۶ و ۷۷؛ نساء: ۹۰؛ مانند: ۱ و ۱۳؛ انفال: ۵۶، ۵۸ و ۷۲؛ اعراف: ۱۰۲؛ توبه: ۴، ۷ و ۱۲؛ رعد: ۲۰ و ۲۵؛ نحل: ۹۱ و ۹۲؛ اسراء: ۳۴؛ مؤمنون: ۸؛ احزاب: ۱۵؛ معارج: ۳۲.
- ۱۲- و نیز ر.ک: بقره: ۲۷؛ رعد: ۲۵؛ احزاب: ۱۵.
- ۱۳- و نیز ر.ک: اسراء: ۳۴.
- ۱۴- و نیز ر.ک: رعد: ۲۵؛ احزاب: ۲۰.
- ۱۵- بقره: ۱۰۰ و ۱۷۷؛ انفال: ۵۶؛ رعد: ۲۰؛ مؤمنون: ۸؛ معارج: ۳۲.
- ۱۶- عباسعلی عمیدزنجانی، **فقه سیاسی**، ج ۳، ص ۵۰۲.
- ۱۷- سید محمدحسین طباطبائی، **المیزان**، ج ۵، ص ۱۶۱؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، **تفسیر نمونه**، ج ۴، ص ۲۴۴.
- ۱۸- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۵، ص ۱۶۲.
- ۱۹- همان، ص ۱۶۳.
- ۲۰- همان.
- ۲۱- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵.
- ۲۲- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۵، ص ۱۶۲.
- ۲۳- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۱۲، ص ۱۱۰-۱۱۱.
- ۲۴- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۹، ص ۱۵۴.
- ۲۵- همان؛ ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۷، ص ۲۸۷.
- ۲۶- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۷، ص ۲۸۷.
- ۲۷- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۹، ص ۱۶۱.
- ۲۸- همان، ج ۹، ص ۱۴۵.
- ۲۹- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۷، ص ۲۵۶-۲۵۷.
- ۳۰- سید قطب، **فی ضلال القرآن**، ج ۳، ص ۱۵۵۸-۱۵۵۹؛ محمدبن احمد انصاری قرطبی، **الجامع لاحکام القرآن**، ج ۸، ص ۵۶-۵۷؛ محمدبن عبداللّه بن العربی، **احکام القرآن**، ج ۱، ص ۴۶۹-۴۷۰؛ اسماعیل بن کثیر دمشقی، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۴، ص ۴۰، به نقل از: نادیه محمودمصطفی، **المشروع للعلاقات الدولية فی الاسلام**، ج ۱، ص ۱۹۳؛ وهبة‌الزحیلی، **آثار الحرب فی الفقه الاسلامی**، ص ۱۴۱-۱۴۲.
- ۳۱- نادیه محمودمصطفی، همان، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۸.
- ۳۲- محمدباقر مجلسی، **بحار الانوار**، ج ۷۲، ص ۹۱-۹۷؛ محمد محمدی ری‌شهری، **میزان‌الحکمة**، ج ۷، ص ۴۸-۵۱.
- ۳۳- حسن‌بن‌شعبه حرّانی، **تحف العقول**، ص ۴۸.
- ۳۴- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۲۹۰.
- ۳۵- همان، ص ۲۸۹.
- ۳۶- همان، ج ۷۲، ص ۱۹۸.
- ۳۷- محمدبن یعقوب کلینی، **الکافی**، ج ۵، ص ۱۳۲.
- ۳۸- ر.ک: علی احمدی میانجی، همان؛ محمد حمیدالله، همان.
- ۳۹- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۹، ص ۱۹۴.
- ۴۰- عبدالملک ابن‌هشام، **السیرة النبویة**، ج ۳، ص ۳۳۲-۳۳۳.
- ۴۱- همان، ص ۳۳۷.
- ۴۲- علی احمدی میانجی، همان، ج ۲، ص ۲۰.
- ۴۳- علی احمدی میانجی، همان؛ محمد حمیدالله، همان.
- ۴۴- **نهج‌البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، نامه ۵۳.
- ۴۵- همان.
- ۴۶- نادیه محمودمصطفی، همان، ج ۱، ص ۱۸۸.
- ۴۷- عباسعلی عمیدزنجانی، **فقه سیاسی**، ج ۳، ص ۵۱۲.
- ۴۸- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۷، ص ۳۰۸.
- ۴۹- **نهج‌البلاغه**، ن ۵۳.
- ۵۰- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۵، ص ۱۶۳.
- ۵۱- سیدصادق حقیقت، همان، ص ۱۳۶.
- ۵۲- ابوالفضل شکورری، **فقه سیاسی اسلام**، ج ۲، ص ۳۸۷.
- ۵۳- عبدالحکیم سلیمی، **نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل**، ص ۲۵۴.
- ۵۴- سیدروح‌الله موسوی خمینی، **تحریر الوسیله**، ج ۱، ص ۴۸۶.
- ۵۵- عباسعلی عمیدزنجانی، **فقه سیاسی**، ج ۳، ص ۵۱۵.
- ۵۶- همان.

- ..... منابع
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.
- ابن العربی، محمد بن عبداللہ، احکام القرآن، ط. الثالثة، بیروت، دارالجیل، ۱۳۸۷ق.
- ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۵۵ق.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول ﷺ، تهران، دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
- حرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- حقیقت، سیدصادق، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۶.
- حمیداللہ، محمد، مجموعة الوثائق السياسية للمعهد النبوی و الخلافة الراشدة، ط. السابعة، بیروت، دار النفائس، ۱۴۰۷ق.
- زحیلی، وهبة، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ط. الرابعة، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- سعید، عقیل، «قراردادهای بین‌المللی در اسلام»، ترجمه مهدی بهزادیان، معرفت، ش ۴۳، تیر ۱۳۸۰، ص ۹۸-۱۰۹.
- سلیمی، عبدالحکیم، نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- سید قطب، فی ظلال القرآن، ط. السابعة، بیروت، دارالشروق، بی تا.
- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم، ستاد بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت مدرس، ۱۳۶۷.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی، حقوق قراردادهای بین‌المللی در اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- فهداوی، خالد سلیمان، الفقه السياسي للوثائق النبویة، عمان، دار عمار للنشر، ۱۴۱۹ق.
- قرشی دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲.
- مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران، پایدار، ۱۳۷۷.
- مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- موسی زاده، رضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷.
- نادی، محمودمصطفی، المشروع للعلاقات الدولية فی الاسلام، قاهره، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.